

ترجمه و برداشتی

از:

قرآن مجید

جزوه ییست و نهم

ترجمه و برداشت: از استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِوَا عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

این جزوه باموضوع بندی مسئله «تزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تزکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تزکیه نفس است در این جزوه آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبّر بیشتری در قرآن و توجّه دوستان به سخنان حضرت حقّ جلّ و علایادآوری شده است.

تا ان شاء الله سالکین إلى الله با تأمل زیادتری موفّق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوه قرائت می شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیانی که مربوط به تزکیه نفس است را پشت سر هم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوه آورده شده است و بعدها سایر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه ای آورده خواهد شد ان شاء الله.

به امید موفقیت و السلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آيات ٦٣-٨٢ از سورة مباركة يوسف

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ

وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٦٣﴾ قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ

قَبْلُ قَالَ اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ

وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ

إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلُ يَسِيرٍ ﴿٦٥﴾ قَالَ

لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُوا مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنِّي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ

فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا

مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَ مَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ

شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾ وَلَمَّا

دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا

حَاجَةً فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا
أَخُوكَ فَلَا تَبْتَسِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ
السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا
وَأَقْبِلُوا عَلَيْهِمْ مَا ذَاتَقَدُّونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا نَقِذُ صَوَاعِ الْمَلَكَ وَ لِمَن جَاءَ بِهِ
حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي
الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا
جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ
بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا
لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ
مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ
مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ
أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا

مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا

مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذَا ظَالِمُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا اسْتِئْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ

كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا

فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَ

هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٠﴾ ارْجِعُوا إِلَى آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَ

مَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَ مَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ﴿٨١﴾ وَ سَأَلَ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا

فِيهَا وَ الْغَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٨٢﴾

ترجمه آیات ۶۳-۸۲

پس وقتی که به نزد پدرشان برگشتند، گفتند: ای پدر ما، پیمانمان از ما منع شده است. پس برادرمان را با ما بفرست تا سهمی دریافت کنیم و قطعاً ما برادرمان را محافظت می‌کنیم. (۶۳)

يعقوب گفت: آیا به شما درباره او اعتماد کنم، همان طوری که درباره برادرش قبلاً اعتماد کردم؟ پس خدا بهترین حافظ است و او مهربانترین مهربانان است. (۶۴)

و وقتی که بار خود را باز کردند، دیدند مبلغی که داده بودند، به آن‌ها برگردانده شده. گفتند: ای پدر ما، چه می‌خواهیم؟ این سرمایه‌ای است که ما داده بودیم و به ما برگردانده شده است و ما برای خانواده‌مان دوباره خوراکی می‌آوریم و برادرمان را حفظ می‌کنیم و یک بار شتر زیاد می‌کنیم. این را که آورده‌ایم، پیمانه کوچکی بود. (۶۵)

يعقوب گفت: هرگز فرزندانم را با شما نخواهم فرستاد. مگر اینکه تعهد مؤکدی از خدا به من بدهید که او را صحیح و سالم به من برگردانید، مگر آنکه مانعی به شما برسد. پس وقتی که تعهد محکم خود را به او دادند، گفت: خدا بر آنچه می‌گوئیم وکیل است. (۶۶)

و یعقوب گفت: ای فرزندانم، از یک در با هم وارد نشوید و از درهای متفرقی داخل شوید و من نمی توانم چیزی که از جانب خدا به شما می رسد، شما را از آن نگه دارم. حکم جز از برای خدا نیست. بر او توکل کردم و باید بر او توکل کنندگان توکل کنند. (۶۷)

و وقتی که داخل شدند، از همان جائی که پدرشان به آن ها امر کرده بود، این عمل هیچ ناراحتی را که از جانب خدا ممکن بود به آن ها برسد از آن ها دور نکرد، مگر حاجتی که در قلب یعقوب بود که انجام شد و او قطعاً صاحب علمی بود که ما به او تعلیم داده بودیم ولی اکثر مردم نمی دانند. (۶۸)

و چون بر یوسف وارد شدند، برادرش را نزد خود جا داد و گفت: من برادرت هستم. پس از آنچه این ها می کردند، ناراحت نباش. (۶۹)

پس وقتی که بارهای آن ها را بست، ظرف آبخوری را در بار برادرش گذاشت. سپس منادی ندا داد که ای قافله، شما دزد هستید. (۷۰)

برادران یوسف در حالی که رو به آن ها کرده بودند، گفتند: چه چیز گم کرده اید؟ (۷۱)
گفتند: جام زرّین ملک را گم کرده ایم و برای کسی که جام را بیاورد، یک بار شتر خواهد بود و من ضمانت آن را خواهم کرد. (۷۲)

برادران یوسف گفتند: قسم به خدا، قطعاً شما می دانید ما برای فساد در این سرزمین نیامده ایم و ما هرگز دزد نبوده ایم. (۷۳)

خدمتگزاران یوسف گفتند: پس چه چیز است جزای آن کس، اگر شما دروغگو باشید؟ (۷۴)
گفتند: جزای آن کسی که در بار او پیمانه پیدا شود، خود او جزای این عملش می باشد. این چنین ما ظالمین را جزا می دهیم. (۷۵)

پس ابتدا بارهای آن ها را قبل از بار برادرش دستور تجسس داد. سپس آن را از بار برادرش بیرون آورد. این چنین مخفی کاری را ما به یوسف یاد دادیم. او نمی توانست برادرش را مطابق دین شاه (نحوه دیگر) بگیرد. مگر اینکه خدا بخواهد. بالا می بریم درجات کسی را که بخواهیم و فوق هر صاحب علمی، دانائی است. (۷۶)

برادران یوسف گفتند: اگر دزدی می کند، قطعاً او برادری قبلاً داشت که او هم دزدی کرد. پس یوسف این کلمه را در دلش پنهان کرد و برای آن ها ظاهر نکرد. و گفت: شما بدترین منزلت را دارید و خدا بهتر می داند آنچه را که توصیف می کنید. (۷۷)

برادران یوسف گفتند: ای عزیز، او پدر پیری دارد، یکی از ما برادران را به جای او نگهدار. ما تو را از نیکوکاران می بینیم. (۷۸)

یوسف گفت: پناه می برم به خدا از اینکه کسی را غیر از همان کسی که وسیله مان را نزد او یافته ایم

بگیریم. که اگر این چنین کنیم، قطعاً ما در آن وقت از ستمگرانیم. (۷۹)

پس وقتی که از او مأیوس شدند، به کناری رفتند و با یکدیگر آهسته صحبت کردند. بزرگترشان گفت: آیا نمی‌دانید که قطعاً پدرتان از شما تعهد الهی گرفته است و قبلاً آنچه را که درباره یوسف کوتاهی نموده‌اید؟ هرگز من از این سرزمین خارج نمی‌شوم تا پدرم به من اذن دهد یا خدا درباره ی من حکم کند که او بهترین حکم‌کنندگان است. (۸۰)

برگردید به سوی پدرتان. بگوئید: ای پدرمان، پسر دزدی کرد و ما جز به آنچه می‌دانستیم، شهادت ندادیم و ما از غیب اطلاعی نداشتیم. (۸۱)

و از قریه‌ای که ما در آن بوده‌ایم و قافله‌ای که همراهش آمده‌ایم، سؤال کن و ما قطعاً راستگو هستیم. (۸۲)

برداشت از آیات ۶۳-۸۲

سالک الی الله باید این آیات را مورد توجه قرار دهد و برداشت‌های زیر را عمل کند:

اول: سالک الی الله باید شرح صدری داشته باشد که اگر در کمال قدرت بود و از طرف اقوام و خویشاوندان به او جسارتی شد، آن را ندیده بگیرد و آن‌ها را مؤاخذه نکند.

دوم: سالک الی الله باید برای هر کاری که مهم است به خدا توکل کند و وثیقه‌ای از خدا بگیرد تا پشیمان نشود.

سوم: سالک الی الله باید بکوشد که قدرت و اموال خود را در مقابل چشم افراد تنگ نظر قرار ندهد که مبادا او را چشم بزنند.

چهارم: سالک الی الله می‌تواند برای مصالح مهمی مانند: صلۀ رحم و نجات نزدیکان از بدبختی و گرفتاری، به توریه و خلاف واقع اظهار کردن، متوسل شود تا به مقصد برسد.

پنجم: سالک الی الله نباید به خاطر گناه یک فرد، دیگران را مورد مؤاخذه قرار داده و یا آن‌ها را به خاطر آن فرد که سرپیچی کرده مورد ظلم قرار دهد.